

روایت‌های کمتر شنیده شده درباره بانوی اول دربار شاه‌رخ تیموری

گوهرشادبیگم؛ زندگی در قمارخانه سیاست

مرضیه ترابی| بانو گوهرشادبیگم را معمولاً در تاریخ مشهد با موقوفات ارزشمند و سازه‌های عظیمی هم چون مسجد گوهرشاد می‌شناسیم. او و البته برخی از فرزندان‌ش مانند بایستقرمیرزا، در توسعه فرهنگ و هنر ایرانی و نیز ارج‌گذاری هنرمندان و رسیدگی به امور آن‌ها نقشی مهم و اساسی داشته‌اند؛ آن‌گونه که حکایت‌های مربوط به این بانوی هنردوست و خیرخواه، گاه رنگ افسانه به خود گرفته و با این شیوه در میان مردمان خطه خراسان ماندگار شده‌است.گوهرشادبیگم، معمار شخصی داشت. قوام‌الدین بن زین‌الدین شیرازی، طراح چیره‌دست ابنیه مشهور خراسان در عهد تیموری، هم چون مسجد گوهرشاد، مدرسه غیاثیه در خرگرد خواف و ... معمار شخصی گوهرشادبیگم بود و به دستور او در بنا و مرمت ابنیه فاخر، همراه با برادرش غیاث‌الدین، حضوری مؤثر داشت.

عصر گوهرشادبیگم، دوران رونق آبادانی در خراسان بزرگ و به ویژه شهر مشهد بوده‌است. آرامش پس از توفانی که پس از هجوم‌های سه‌گانه تیمورلنگ رخ داد، حاصل دوران طولانی حکمرانی شاه‌رخ میرزاست که عموماً با آرامش نسبی سپری شد و بیش از سه دهه ادامه یافت.

شاه‌رخ میرزا اسباب این رونق را فراهم و گوهرشادبیگم، با تکیه بر همین شرایط، توجه خود را به فعالیت‌های عام‌المنفعه معطوف کرد. بااین حال، تاریخ را باید از زوایای گوناگون آن بررسی و کنکاش کنیم. نگاه‌های یک‌سویه به روایت‌های تاریخی و شخصیت‌های حاضر در آن، چهره‌ای کاریکاتوری و ناقص را از اتفاقات رخ داده در اعصار ماضی ترسیم می‌کند. آن‌گونه که نمی‌توان با تکیه بر آن، قضایاتی نزدیک به واقعیت را درباره رویدادها و شخصیت‌های تاریخی ارائه کرد. گوهرشادبیگ، بی‌تردید، بانویی خیراندیش بوده‌است. اما این خیرخواهی تنها بخش کوچکی از شخصیت وی را شامل می‌شود. او پیش و بیش از آن‌که در نقش خیرخواهانه خود فعال باشد، بانویی سیاسی اهل مجادلات و قمارهای سیاسی بود و این رویکرد، در بیش از هشت دهه زندگی گوهرشادبیگم، نمودی غیر قابل انکار دارد.

- استاد شبکه‌سازی‌های سیاسی

مهدعلیا گوهرشادآغا بیگم، فرزند غیاث‌الدین ترخان از اشراف مورد توجه تیمورلنگ در فرارودان بود. غیاث‌الدین از کسانی است که در دوران حاکم‌ای تیمورلنگ، جانب وی را گرفتند. پدر گوهرشادبیگم به ظاهر در یکی از جنگ‌ها، جان تیمورلنگ را نجات داد.

غیاث‌الدین در رمزه نزدیکان و محارم امیرگورکانی قرار داشت. به همین دلیل دختر او گوهرشاد، به عقد شاه‌رخ میرزا، فرزند ارشد تیمورلنگ، درآمد و به ملکه دربار او تبدیل شد. البته شاه‌رخ میرزا به جز گوهرشاد، همسران دیگری هم داشت و از آن‌ها نیز، صاحب فرزند شد اما هیچ‌کدام از این بانوان، مانند گوهرشاد غرق در مجادلات سیاسی نبودند و نفوذ وی را نداشتند.

گوهرشاد از شاه‌رخ تیموری صاحب شش فرزند شد. سه پسر به نام‌های «محمدجوکی»، «آلغ بیگ» و «بایستقر» و سه دختر که دو تا از آن‌ها در طفولیت درگذشتند و یکی به نام «مریم سلطان‌آغا» که به سنین پیری رسید. خاندان گوهرشاد به دلیل اقتدار سیاسی این بانو، تحت فرمان او عمل می‌کردند و گروهی صاحب نفوذ و پرقدرت را در دربار شاه‌رخ تیموری تشکیل می‌دادند. هدف شبکه‌ای که گوهرشاد ایجاد کرده بود، تثبیت قدرت در خاندان ترخانی بود. البته روحیه شاه‌رخ تیموری هم، در دامن زدن به اقتدار گوهرشاد و شبکه او نقش مهمی داشت. فرزند تیمورلنگ، بر خلاف او، میلی به احیای «پاسای چنگیزی (قوانین سنتی مغولان)» و کشتار بی حد برای تحمیل اقتدارش نداشت و انعطاف بیشتری نسبت به تقسیم قدرت از خود نشان می‌داد.

شاه‌رخ در کارها با اطرافیان مورد اعتماد فراوان مشورت می‌کرد و حتی برخی کارهای مهم و عمده را به آن‌ها می‌سپرد. گوهرشاد در رأس این معتمدان قرار داشت و به همین دلیل، در تکاپوهای سیاسی و حتی نظامی دوره شاه‌رخ تیموری نقشی محوری ایفا می‌کرد.

«میرخواند» در کتاب «روضه‌الصفا» اذعان دارد که گوهرشاد، حتی در فرایندهای قضایی حاکم بر قلمرو شاه‌رخ که بیشتر از نصف قلمرو تیمورلنگ را در ایران شرقی شامل می‌شد، دخالتی مستقیم داشت و آرای قضات را تنفیذ می‌کرد.

چنین اقتداری در حوزه حکمرانی، حتی در عهد سلجوقی و خوارزمشاهی که شاهد حضور بانوان مقتدری چون «ترکان خاتون» هستیم، سابقه نداشته‌است. علاوه بر این‌ها، گوهرشاد در نزاع‌های درون خاندانی تیموریان نیز، رأی و نظر شاه‌رخ را به شدت تحت‌تأثیر قرار می‌داد.

اتکای فرزند تیمورلنگ به‌رای همسرش سبب شد

- دردسرهای مداخلات سیاسی

یکی از عجیب‌ترین اقدامات سیاسی گوهرشادبیگم، حمایت او از جانشینی «علاءالدوله» فرزند بایستقر میرزا است. گوهرشادبیگم که نوه خود را از پسران دوست‌تر می‌داشت و در واقع او را پرورش داده بود و از اقتدارش پس از به قدرت رسیدن علاءالدوله اطمینان کامل داشت، برای برداشتن موانع از سر راه رسیدن وی به قدرت، حتی به پسرانش هم رحم نکرد و بر ضرب‌المثل «الملک عقیم (حکومت پدر و مادر نمی‌شناسد!)» مُهر تأیید زد. گوهرشادبیگم حتی به پسرش «محمدجوکی» هم اجازه عرض اندام در برابر نوه‌اش را نداد. هنگامی که در سال ۸۴۷ قمری، شاه‌رخ در بستر بیماری افتاد، گوهرشاد بیگم سران لشکر را واداشت با نوه‌اش علاءالدوله پیمان ببندند و پسر ارشدش محمدجوکی را از حکومت کنار گذاشت. محمدکه

که دستور نایب‌ن کردن اسکندر، فرزند عمرشخ و نواده تیمورلنگ را صادر کند و نیز چنان‌که «دولتشاه سمرقندی» روایت کرده‌است، به قتل جمعی از اکابر اصفهان به دلیل حمایت از «سلطان محمد» فرزند بایستقر حکم دهد.

همچنین با دخالت گوهرشاد بیگم بزرگانی هم چون «قاضی امام»، «شاه علاء‌الدین» و «خواجه افضل‌الدین» که از بزرگان دولت تیموری بودند، از دم تیغ گذرانده شدند. از آن سو، هنگام صدور حکم اعدام برای «سیدفخرالدین وزیر» خزانه‌دار شاه‌رخ تیموری، به دلیل اخذ رشوه، این گوهرشادبود که با یادرمیانی خود مانع اجرای حکم اعدام شد. این دخالت‌ها نشان دهنده نفوذ بی‌حد و حصر گوهرشادبیگم در ساختار حکومتی دربار تیموری است که با وجود فرزندان و سپس نوادگانش، روز به روز افزایش می‌یافت.

- دردسرهای مداخلات سیاسی

یکی از عجیب‌ترین اقدامات سیاسی گوهرشادبیگم، حمایت او از جانشینی «علاءالدوله» فرزند بایستقر میرزا است. گوهرشادبیگم که نوه خود را از پسران دوست‌تر می‌داشت و در واقع او را پرورش داده بود و از اقتدارش پس از به قدرت رسیدن علاءالدوله اطمینان کامل داشت، برای برداشتن موانع از سر راه رسیدن وی به قدرت، حتی به پسرانش هم رحم نکرد و بر ضرب‌المثل «الملک عقیم (حکومت پدر و مادر نمی‌شناسد!)» مُهر تأیید زد. گوهرشادبیگم حتی به پسرش «محمدجوکی» هم اجازه عرض اندام در برابر نوه‌اش را نداد. هنگامی که در سال ۸۴۷ قمری، شاه‌رخ در بستر بیماری افتاد، گوهرشاد بیگم سران لشکر را واداشت با نوه‌اش علاءالدوله پیمان ببندند و پسر ارشدش محمدجوکی را از حکومت کنار گذاشت. محمدکه

چندی بعد، الیغ بیگ فرزند دیگر گوهرشاد، سپاه برادرزاده‌اش علاءالدوله را در هم کوبید. سال ۸۵۱ قمری، گوهرشاد و شبکه قدرتمندی که ساخته بود، ناچار به ترک هرات و اقامت در غرب ایران شد که برخی از نوادگانش اداره آن را



تصویرسازی خیالی از گوهرشاد بیگم توسط هوش مصنوعی

برعهده داشتند. حتی زمانی که ابوالقاسم بابر (پسر بایستقر)، برادر علاءالدوله، به هرات مسلط شد، گوهرشادبیگم باز هم فرصت بازگشت به پایتخت ایران را پیدا نکرد و تا مرگ بابر در ۲۵ ربیع‌الثانی ۸۶۱ قمری، دور از مرکز اقتدار حکومت تیموری باقی‌ماند. گوهرشادبیگم بالاخره در زمان حکومت ابراهیم میرزا پسر علاءالدوله، به هرات بازگشت، اما آتش اختلافی که برافروخته بود، بالاخره دامن وی را گرفت. ابوسعید پسر آلغ بیگ از

ضعف حکومت هرات استفاده کرد و بر آن مسلط شد. نوه شاه‌رخ تیموری در ابتدا با مادر بزرگش رفتاری محترمانه داشت، اما چون از تمایلات وی در به حکومت رساندن اولاد علاءالدوله آگاه بود، دستور داد گوهرشادبیگم را در نُه‌م ماه رمضان سال ۸۶۱ قمری به قتل برسانند. به این ترتیب، پایان زندگی یکی از سیاسی‌ترین بانوان تاریخ ایران رقم خورد.

- گوهرشاد و پرونده سیاسی او

گوهرشادبیگم سیاست‌وآداب و مضرات مربوط به آن را می‌شناخت. او درباره مفهوم قدرت اطلاعات کافی داشت و بازی با آن را به خوبی فرا گرفته بود. وی از عناصر تقویت‌کننده اقتدار به خوبی بهره می‌برد و شبکه‌ای از افراد وفادار را در اطراف خود نگه می‌داشت و از آن‌ها حمایت می‌کرد. گوهرشادبیگم از کودکی در جریان تقابل‌های سیاسی قرار داشت و راهکارهای گریز از بیشتر موانع را می‌دانست. اما با وجود زیرکی و اقتدار ناشی از خاندان پرنفوذش، نتوانست در پایان کار

سر سالم به گور ببرد. بدیهی است که حضور وی در بازی‌های سیاسی دوران خودش، نفی‌کننده نقش مهم او در تقویت عناصر فرهنگی و خدمات قابل تقدیرش به مشهد و بارگاه منور رضوی نیست.



نمایی از مزار گوهرشاد بیگم



کتیبه معرفی گوهرشاد بیگم مقبره او

گذری بر یک خبر قدیمی که سبب قانون‌گذاری در حوزه نظافت شد

مرگ سرباز انگلیسی در حمام مشهد

جزیی را بیگیری کرد: «از طرف اداره بلده به ترتیب نظامنامه‌ای برای نظفیت حمام‌های شهر داده شده و به نظر کمیسیون حفظ‌الصحه ایالتی رسانیده، اینک برای جلب نظریات اداره نظمیه در اجرای آن ارسال شده که پس از بروز نظریات آن اداره، به موقع به اجرا گذاشته و امید می‌رود که در صورت اجرای نظامنامه مزبوره، موفقیت به حفظ‌الصحه عمومی از این راه‌ها حاصل شود.»

این روزنامه یک هفته پس از مرگ سرباز انگلیسی هم می‌نویسد: «ترتیب نظامنامه برای حمام‌ها و نظفیت آن‌ها داده و پس از تصویب کمیسیون صحنی بلدی و کمیسیون صحنی ایالتی به نظر والی ایالت رسانیده و حسب الامر قریباً به موقع به اجرا خواهد گذارد.» اما آنچه انجمن شهر به تصویب می‌رساند، نظافت هفتگی و تخلیه آب خزینه هر هفت روز است که به خاطر سختگیری‌ها مدتی به اجرا در می‌آید اما مانند خیلی از طرح‌ها با گذر زمان و نبود نظارت پیوسته به فراموشی سپرده می‌شود تا وضعیت بهداشت عمومی همچنان و تا مدت‌ها در مخاطره باشد.

ایران
نامه

درباره یکی از بناهای آیینی و باستانی شرق ایران

رنگ تاریخی نگار



هادی دقیق| هیچ‌کس به درستی نمی‌داند نخستین سازه معماری بشر در چه زمانی ساخته شده است. با وجود این، می‌دانیم که بشر در زمان کوچ‌نشینی سازه‌های موقت می‌ساخته که البته در همان‌ها هم رفته‌رفته ظرافت معماری ایجاد کرده است. به این ترتیب، تجربه سازه‌های موقت، در دوره یکجانشینی به کار بشر آمد و شم معماری‌اش را کارآمد کرد. در این بین، تفاوت عمده‌ای در نوع مصالح و شکل معماری مشاهده می‌شود. شواهد باستان‌شناسی فراوانی در دست هست که نشان می‌دهد انسان یکجانشین محل سکونتش را با مصالح کم‌کیفیت‌تر و ارزان‌تر و معماری ساده‌تر می‌ساخته است، کم‌کیفیت‌تر و ساده‌تر نسبت به چه چیزی؟ نسبت به بناهایی که ماندگاری‌اش برایش ارزشمندتر بود. اگر بخواهیم خلاصه بگوییم، انگار انسان از همان ابتدا مدت عمر و ماندگاری خودش در بنای مسکونی را محاسبه می‌کرده است. یعنی انسانی که مثلاً می‌داند در نهایت یک سده عمر می‌کند، برای بنایی صدساله زحمت می‌کشد و مصالح خرج می‌کند، با این حال، از وقتی نیازهای معنوی هم به بی‌شمار نیاز انسان اضافه شد، پای معماری آن‌هم از نوع ویژه آن به نیایشگاه‌ها باز شد. با توجه به شواهد، بیراه نیست اگر بگوییم چون ماندگاری این بناها برای بشر مهم بود، از مصالح بهتر و معماری کارآمدتر برای آن‌ها استفاده می‌کرده است.

نمونه شاخص این نوع معماری را که بشر برای خودش و نسل‌های بعدی می‌ساخت، مشخصاً می‌شود در بناهای مذهبی دید. بین بناهای مذهبی پیش از اسلام در ایران، آتشکده را می‌شود نمود و نماینده این دست از بناها دانست. آتشکده در سراسر ایران یافت و دیده شده و گستره جغرافیایی‌اش چنان است که همه ایران امروز را در برمی‌گیرد. جهان پررمزوراز باستان، طبیعت خشن، آسمان اسرارآمیز و... در آن زمان که بشر خودش را رویاروی هستی می‌دید، باعث شد رفته‌رفته نگاهی‌ش به دنیای دیگر هم شکل بگیرد. تجلی این نگاه در معماری نیایشگاه‌ها یا همان آتشکده‌ای که موضوع این بحث است، باعث ایجاد نوع خاصی از معماری شد.

- به گستره ایران

آتشکده فضایی آیینی است که با معماری باستانی ایران گره خورده است. ساده‌ترین شکل آتشکده، چهارطاقی است. در معماری چهارطاقی، پلان بنا چهارگوش و معمولاً مربع است. سقف این چهارضلعی با گنبد پوشیده می‌شده است. هر ضلع چهارطاقی یک طاق دارد و چهار جزر در گوشه‌ها باران معماری سنگین را به دوش می‌کشند. آتشکده‌ها معمولاً با مصالح ماندگارتر از جمله سنگ ساخته می‌شدند و از کاواگل و گچ برای تزئین نگار داخلی آن‌ها استفاده می‌شده است. برخی چهارطاقی‌ها جدا و برخی به عنوان بخشی از یک بنای بزرگ‌تر ساخته شده‌اند. چهارطاقی نگار آتشکده‌ای است که در استان کرمان قرار دارد. این چهارطاقی مراد ۱۲۸۵ به عنوان اثری از دوره ساسانی در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفته است. نگار روستایی است در جاده کرمان به بردسیر. در حاشیه همین جاده تابلوهای نگار نمایان‌اند. چهارطاقی نگار تقریباً در پانزده بیست کیلومتری شمال روستاست. امروز دسترسی به چهارطاقی دشوار است، چون هیچ جاده‌ای از نزدیکی چهارطاقی نگار رد نمی‌شود. چهارطاقی نگار در میان کوه‌های جنوب کرمان قرار دارد. این چهارطاقی تقریباً قدوقواره آتشکده نیاسر کاشان را دارد، پلان‌ش به پلان آتشکده باهه‌روز تربت حیدریه نزدیک است، نمای آن قدری به چهارقابی قصر شیرین می‌زند و در کل، مشابه بقیه آتشکده‌هایی است که از دوره ساسانیان به جا مانده‌اند. قرارگیری بنا در ارتفاع، وجود آتشدان و شکل و پلان چهارطاقی هم شواهدی هستند که می‌گویند بنا مربوط به دوره ساسانی و آتشکده‌ای برای برگزاری مراسم آیینی بوده است. روی یکی از کوه‌های نزدیک چهارطاقی نگار، برجی با مصالح چهارطاقی ساخته شده است که احتمالاً برج راهنمای منطقه است.

معماری چهارطاقی نگار شامل دو بخش به هم مرتبط است؛ یکی فضای چهارطاقی است که با راهرویی در اطرافش محصور شده است و دیگری اتاقی مستطیل شکل است که از سوی ضلع بلندش به چهارطاقی چسبیده است. راهرو اطراف چهارطاقی که به غلام‌گردش هم معروف است، در آتشکده‌ها برای ایجاد حائل بین آتش و فضای بیرون ساخته می‌شده است؛ اینکه هرکسی به راحتی از بیرون بنا آتش را نبیند و در ضمن، نور خورشید هم به آتش نتابد. این ویژگی را به جز نگار در بازه‌هور و برخی آتشکده‌های دیگر هم می‌شود دید. مصالح چهارطاقی نگار بوم‌آورد است و این، ویژگی بناهای دوره ساسانی است. لاشه‌سنگ‌های منطقه با ملاط سفت و محکم قیرچارو که حتی برابر نفوذ آب هم مقاوم است، دیوارهای بنای باستانی نگار را پس از چندین سده استوار نگه داشته‌اند.

طول و عرض آتشکده تقریباً شانزده و دوازده متر است. دهانه هر کدام از طاق‌های بنا بیش از سه متر است و ارتفاعشان تا نزدیکی چهار متر می‌رسد. نگار بلندبالا با پوشش گنبدی آراسته شده است. گنبدی که از داخل روی گوشواره‌های کنج بنا سوار است و بیش از پنج متر بلندی دارد. راهرو اطراف چهارطاقی هم کمتر از یک متر عرض دارد. سقف این راهرو را چهار طاق پوشانده است. مصالح این طاق‌ها هم لاشه‌سنگ و گچ است. جلو همه این‌ها و در ضلع جنوبی بنا، تالار با اتاقی مستطیل شکل قرار دارد که به نوعی درگاه ورود به آتشکده است. تالار ورودی امروز سقف ندارد اما در گوشه‌ای از آن نشانه‌هایی از پوشش نیم‌گنبدی و گوشواره دیده می‌شود. احتمالاً سقف این فضای پیش‌خان هم گنبدی یا شاید مثل غلام‌گردش، طاق‌دار بوده است. ویژگی مهم آتشکده نگار تزئینات چشمگیر آن است که امروز بسیار رنگ‌ورفته‌اند. نقاشی‌هایی روی برخی دیوارهای گچی نگار هست که متأسفانه به شدت تخریب و فرسوده شده‌اند. این تخریب‌ها به بقیه بنا هم رسیده است. با همه این‌ها، نگار همچنان جزو نمونه‌های ناب چهارطاقی محبوب معماری ایرانی است. با این تفاوت که دسترسی دشوارش اجازه نمی‌دهد درست‌حسابی به آن رسیدگی شود. با وجود این دسترسی دشوار، کمتر می‌شود آتشکده‌ای از دوره ساسانی دید که با کمترین مرمت، همچنان نصف گنبدش برپا باشد و دیوارهایش سرپا.

تاریخ
نگار

کشف سردیس مرمری منسوب به امپراتور آگوستوس



گروه تاریخ و هویت| باستان‌شناسان در جریان کاوش‌های شهر ایزرن‌پار در منطقه مولیزه ایتالیا، در نزدیکی دیوارهای تاریخی شهر، سردیسی مرمری را کشف کردند که احتمال می‌رود متعلق به آگوستوس، نخستین امپراتور روم، باشد. آگوستوس بنیان‌گذار امپراتوری روم بود و دوران حکومت او آغاز دوره‌ای از ثبات و شکوفایی موسوم به «صلح رومی» به شمار می‌رود. این کشف می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره حضور و نفوذ روم باستان در این منطقه و هنر پیکرتراشی آن دوران در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

اخبار
قدیمی



تصویری از یک حمام قدیمی در دوره پهلوی

تصور کنید مخزنی که مردم در آن تن می‌شست‌اند، چقدر باید کثیف باشد که سر در لجن آن گیر کند و فرد نتواند خودش را بالا بکشد. اما پس از این اتفاق انجمن شهر چه